

نگاه

چهارمحال وبختیاری مکانی برای ترانزیت نخبگان

سیدمعبود ستوده *

● روند توسعه نیافتگی در استان‌های کشور دارای مراتب گوناگونی است که با توجه به عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی مناطق و فضای ناهمگن منابع، روند متفاوتی دارد. هرچند استان چهارمحال وبختیاری نیز از نظر شرایط اقلیمی در سطح بهتری نسبت به استان‌های همجوار قرار دارد، اما اولین سؤالی که ناخودآگاه به هنگام گذر از این دیار در ذهن فرزندان استان چهارمحال وبختیاری موج می‌زند این است که چرا زادگاهشان هنوز توسعه نیافته است و به دنبال جواب قانع‌کننده‌ای برای پاسخ به این سؤال هستند. از سوی دیگر رفع معضلات، هموارکردن مسیر توسعه و ارائه راهکارهایی علمی و مؤثر، دغدغه‌ای همیشگی برای فارغ التحصیلان و دانش‌آموختگان این استان است. در این مجال تلاش کرده‌ام به مسئله مهاجرت نخبگان و متخصصان و کمبود مدیران توانمند به‌منوای یکی از عوامل توسعه نیافتگی استان بپردازم.

بام ایران سکوی پرتاب افراد مستعد!

نگرانی از زمانی آغاز می‌شود که متأسفانه نیروهای مستعد خودمان یا پس از مدتی استان را ترک می‌کنند یا هیچ‌گاه پس از کسب تخصص‌های لازم به دلایلی موجه یا غیرموجه، برای خدمت به استان بازمی‌گردند. نکته جالب اینکه انکار تفکر پیشرفت در خارج از استان در ذهن اکثریت مردم ما آلتیجان نهاده شده است که نسل به نسل انتقال داده می‌شود. نکته قابل‌تأمل‌تر اینکه مهاجران تجربیات ارزشمند خود را در استان‌های همجوار و مرکز کشور به منضم ظهور رسانده که در این رهگذار، هم عاملی برای پیشرفت آن شهر و دیار و هم دستیابی خود به موقعیت‌های بهتر و پیشرفت‌های چشمگیری می‌شوند. درواقع می‌توان گفت استان ما سکوی پرتابی برای افراد مستعد است.

اختلافات فکری، قومی و سیاسی

شواهد نشان می‌دهد استان چهارمحال وبختیاری نسبت به مقیاس جمعیت و نیروی تحصیلکرده کشور از لحاظ نیروی انسانی مدیر و متخصص جایگاه بالایی دارد، اما از لحاظ جذب نیروهای متخصص در استان با مشکلاتی مواجه است. این استان از استان‌های صادرکننده نیروی انسانی مدیر و متخصص بوده که نه‌تنها مشخصه خوبی برای استان نیست بلکه این امر بیانگر وجود برخی تعرضات و مسائل بازدارنده در استان است. درواقع استان ما دوقطبی است؛ از یک نظر نخبه‌پرور که جای بسی مهابات و از جانب دیگر نخبه‌گریز که تأسف‌بار است! خروج نیروهای انسانی توانمند از استان بیانگر برخی اختلافات نادرست فکری و نادیده‌گرفتن ظرفیت‌هاست. در همین رابطه قاسم سلیمانی استاندار چهارمحال وبختیاری معتقد است: «اختلافات قومی و سیاسی مانع توسعه استان می‌شود». علاوه بر این آثار اختلافات سیاسی و قومی مقطعی نیست بلکه آینده را هم دربر می‌گیرد و مصداق آن محرومیت کنونی استان است. در واقع هم‌گرایی به جای واگرایی، تعامل به جای تقابل و وفای به جای انشقاق لازمه توسعه این استان است.

دیدگاه‌های «تنگ‌نظرانه»

آفت رشد و ظهور نخبگان

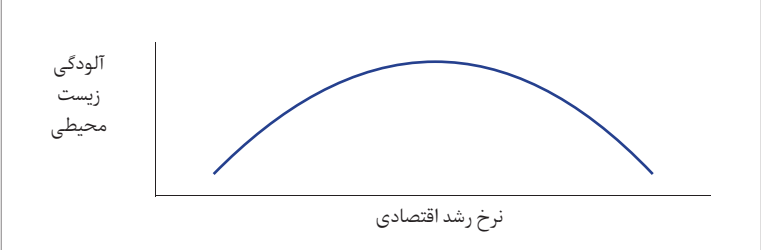
یکی دیگر از عوامل خروج فرزندان توانمند، متعهد و نخبگان از صحنه استان را در مشکلات فراوان و موانع پیشرفت که حق ذاتی آنهاست می‌توان جست‌وجو کرد. چالشی که نباید نسبت به آن بی‌تفاوت بود، جاری‌شدن فرهنگ تنگ‌نظری در استان‌های در حال توسعه و توسعه‌نیافته است که این مناطق را از رشد بازمی‌دارد. ممانعت از رشد و ظهور نخبگان و پیدایش اندیشه‌های نوین، ابداعی و خلاقیت‌های انسانی فرهنگی ویرانگر است و سترون نمودن این تفکرات نوین سبب می‌شود تا معیار داورى به افرادی واگذار شود که نیندیشیدن، مغرضانه و منفعت‌جویانه اندیشیدن را سر لوحه کار قرار داده است.

مدبران بی تدبیر، کاتالیزور متخصصان توانمند

از سوی دیگر فرار سرمایه‌های انسانی موجب واگذاری بسیاری از مشاغل به افراد فاقد صلاحیت یا کم‌صلاحیت شده است که خود مشکلات متعددی را موجب رکود و تعطیلی بسیاری از واحدهای صنعتی و کارخانه‌های بخش تولید شده است. موضوعی که باعث عقیم‌شدن فرصت‌های اشتغالزا در بجهوه بحران بیکاری در کشور و استان شده است. در همین حال کارشناسان به راکد و بدون استفاده‌بودن ۷۰درصد سرمایه شهرک‌های صنعتی در استان اشاره می‌کنند و معتقدند درچند سال اخیر در چهارمحال وبختیاری خوداشتغالی و اشتغال مولد حتی به صفر نزدیک شده است. در برخی حوزه‌ها باوجود پتانسیل‌های فراوان به دلیل نبود تفاهم و همکاری مطلوب و مشارکت بین بخش‌های مختلف مدیریتی شاهد این افول هستیم. شاید بتوان گفت وقتی پاشنه انتخاب برخی مدیران بر رابطه بچرخد تا توانایی، فرصت به افراد توانا نرسیده و باعث می‌شود استان نیروهای متخصص خود را به دلیل مهاجرت از دست بدهد و چرخه محرومیت ادامه یابد.

ادامه در صفحه ۱۵

نمودار ۱: رابطه میان رشد اقتصادی و آلودگی زیست‌محیطی در منظر جریان متعارف اقتصادی



منبع: دونلا مدوز و دیگران، محدودیت‌های رشد/ ترجمه: علی حبیبی و فرزام پور اصغر

شکست نظام‌مند و بحران زیست‌محیطی در جهان و ایران

پیش‌بینی ناسا: در صورت ادامه روند تخریب زیست‌محیطی فعلی، ایران در ۳۰ سال آینده به سرزمینی تمام‌خشک مانند عربستان تبدیل می‌شود

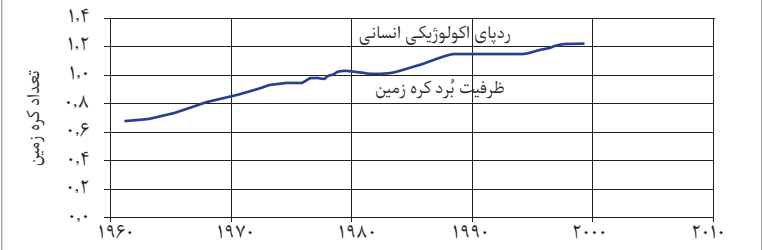
بحران زیست‌محیطی در ایران

کاهش میزان ذخایر آب زیرزمینی از ۵۲۰ به ۴۰۰ میلیارد مترمکعب و نشست خاک، کاهش مساحت جنگل‌ها از ۱۸ به ۱۲ میلیون هکتار، افزایش آلاینده‌ها از ۲۵ میلیون تن در سال ۱۳۵۰ به ۴۵۰ میلیون تن در این سال‌ها و فرارگرفتن حدود ۲۳۰ دشت از ۶۱۰ دشت رسماً شناسایی‌شده کشور در منطقه بحرانی، شواهدی بر وجود بحران زیست‌محیطی در ایران است که به‌صورت ملموس‌تر، محسوس‌تر و عریان‌تر خود را در کاهش سطح آب دریاچه‌های ارومیه و ختگان و خشک‌شدن رودهایی چون زاینده‌رود نشان می‌دهد. چشم‌انداز زیست‌محیطی ما هم همانی است که ناسا اخیراً پیش‌بینی کرده است: اگر روند تخریب زیست‌محیطی به همین صورت ادامه پیدا کند، ایران در ۳۰ سال آینده از سرزمینی نیمه‌خشک به سرزمینی تمام‌خشک مانند عربستان سعودی تبدیل خواهد شد.

۲. علت‌ها و راهکارها: علت بحران زیست‌محیطی چه در عرصه جهانی و چه در عرصه ملی ایران چیست؟ در پاسخ به این پرسش دو فرضیه را دانشمندان علوم طبیعی به ویژه فیزیک‌دانان و چهار فرضیه را هم نظریه‌پردازان علوم انسانی طرح می‌کنند. جریان غالب دانشمندان فیزیک معتقدند افزایش فعالیت‌های صنعتی موجب افزایش دی‌اکسیدکربن در جو و در تحلیل نهایی دمای حرارت و گرم‌شدن کره زمین شده است. این گروه برای اثبات فرضیه خود به میزان کربن موجود در یخ‌های قطبی متعلق به یک تا چند قرن پیش استناد می‌کنند که کمتر از میزان کربن در حال حاضر هست. بنابراین رابط‌های میان دی‌اکسیدکربن و درجه دما برقرار می‌کنند. در مقابل، برخی از دانشمندان فیزیک‌دان معتقدند چنین رابط‌ای وجود ندارد و تغییر کره زمین در مدار خورشید و نزدیک‌ترشدن آن به خورشید، علت اصلی افزایش درجه دماست. از منظر گروه اول که به جریان‌های فکری انتقادی کل‌گرای علوم انسانی نزدیک است راهکار در کاهش استفاده از منابع زمین و کاهش میزان آلودگی به سطوح پیشین ماقبل قرن بیستم از طریق کنترل رشد اقتصادی است. راهکار گروه دوم، که در ناسا دنبال می‌شود، تغییر حرکت زمین در مدار خورشید و افزایش فاصله آن با خورشید از طریق واردکردن ضربه‌ای سنگین به زمین در نقطه‌ای خاص از آن است. تغییر مسیر حرکت شهاب‌سنگ‌های آسمانی و برخورد یکی از آنها با زمین در چارچوب این نگاه بسیار مهندسی‌گرایانه اجتماعی دنبال می‌شود که به فرض امکان‌پذیریودن آن، در صورت وجود خطا در محاسبات، می‌تواند فجایعی بدتر از انفجار چندین بمب اتم داشته باشد. در حوزه علوم انسانی، پست‌مدرن‌ها معتقدند نظام اقتصاد جهانی که بر مبنای پروژه مدرنیته و اصل جوهری آن یعنی اعتقاد به توانایی خرد آدمی در حل و فصل مشکلات شکل گرفته، علت اصلی مشکل است. این نگاه باید اصلاح شود و آدمی ایده‌دانی کل را باید کنار بگذارد و فروتن‌تر بشود و دست از دست‌اندازی به طبیعت بردارد. اقتصاددانان معتقد به این چارچوب، بر این باورند که مادام که چرخه مصرف، انباشت بیشتر در جهت تأمین مصرف، و رشد بیشتر در جهت تأمین درآمد‌ها کار می‌کند، بحران زیست‌محیطی تشدید خواهد شد. از این منظر، این چرخه پایان‌ناپذیر باید از کار بیفتد. برای این نیز به جای پارادایم مدرنیستی «مصرف انبوه» روستویی و «روایی آمریکایی» باید بازگشت به خوشتن و بهادان به زندگی‌های بومی و محلی طبیعت‌گرایانه‌تر در دستور کار بگیرد. مارکسیست‌ها، به جای پیگیری الگوی ضدشرش و ضدانباشت پست‌مدرنی، بر اجتماعی‌گراترشدن شیوه تولید و انباشت و مساوات‌گرایی مرتبط با آن تأکید دارند. از این منظر، مشکل اصلی در منطق انباشت سودگرایانه مبتنی بر مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است که هم رابطه انسان با انسان و هم رابطه انسان با طبیعت را از هم گسیخته و استثمار انسان به دست انسان و طبیعت به‌دست انسان با هدف حداکثرکردن ارزش اضافی را بازتولید می‌کند. از این منظر، منطق انباشت، باید تغییر کند و مبتنی بر اصل تلاش حداکثری و مصرف حداقلی شود. توسعه‌گرایان انتقادی ضمن پذیرش بخش‌هایی از تبیین‌های پست‌مدرنی و مارکسیستی، بر این باورند که مشکل اساسی در نبود نظام حکمرانی دموکراتیزه‌شده است که از سویی موجب بروز نابرابری بیش از اندازه چه در مقیاس جهانی و چه در مقیاس ملی می‌شود و از سوی دیگر توانایی به‌کنترل‌درآوردن انباشت سرمایه در جهتی طبیعت‌گرایانه را ندارد. از این منظر، راهکار در تقویت جنبش‌های اجتماعی مختلف زیست‌محیطی و کارگری و جنبستی با هدف فشار بر نظام‌های مدیریتی در جهت اعمال تغییرات اساسی در نظام مدیریتی و پیاده‌سازی الگوی جهان‌وطنی و شهروندی جهانی است. جریان متعارف اقتصادی و غیراقتصادی نولیبرالی معتقد به کارکرد کارای بازار آزاد، علت اصلی را در دخالت‌های سیاستی دولت جست‌وجو می‌کند و ضمن دعوت به مداخله کمتر دولت، استفاده از سازوکارهای مالیاتی را پیشنهاد می‌دهد. چنین ابزاری در عرصه زیست‌محیطی دنبال نشود، بحران زیست‌محیطی جهانی به‌طور جدوکار جمعیت جهان را در آینده خواهد کرد.

اقتصاد

نمودار ۲: رابطه میان ردپای بوم‌شناختی و ظرفیت جذب زمین



شکست نظام‌مند و بحران زیست‌محیطی در جهان و ایران

پیش‌بینی ناسا: در صورت ادامه روند تخریب زیست‌محیطی فعلی، ایران در ۳۰ سال آینده به سرزمینی تمام‌خشک مانند عربستان تبدیل می‌شود

که کشورها دارای سهمیه‌ای برای آلودگی زیست‌محیطی هستند. کشور‌های با آلایندگی زیاد می‌توانند به کشور‌های با آلایندگی کمتر مالیات دهند و بدون دغدغه به انتشار آلودگی بپردازند. این راهکار، از منظر رویکردهای نظام‌مند پست‌مدرنی و مارکسیستی و توسعه انتقادی نمی‌تواند چندان کارساز باشد؛ چراکه اصل مهم و اساسی اخلاقی در آن نقض می‌شود؛ اصل، احساس مسئولیت همه در برابر سیاره زمین. چنین مالیاتی مبتنی بر این نگاه است که می‌توان طبیعت را بازاری کرد و نرخ‌ی برای آن گذاشت، به معنای اجازه‌دادن به گسترش سازوکار بازار آزاد به همه چیز‌ها و از جمله طبیعت است. از آنجا که بازاری‌کردن طبیعت نمی‌تواند پیامدی جز افزایش دست‌اندازی به آن ولو در نرخ‌های بالاتر توسط صاحبان سرمایه داشته باشد، این راهکار به معنای تأیید مشروعیت سیستم شکل‌گرفته بر مبنای آن است؛ سیستمی که کژکارکردی‌های اساسی دارد و با این روش قابل درمان نیست.

۳. تفاوت بحران زیست‌محیطی در ایران و جهان: می‌رسیم به نکته پایانی و مهم‌تر این بحث. اقتصاد و جامعه ایران جزئی از اقتصاد و جامعه جهانی است. بنابراین، تحت‌تأثیر بحران زیست‌محیطی جهانی قرار دارد. با وجود این، باید تأکید کنم شدت بحران زیست‌محیطی در ایران بسیار بیشتر از کشورهای دیگر هم‌رده یا ما مانند ترکیه و میانگین جهانی است. بنابراین، نمی‌توان همه بار توضیحی بحران زیست‌محیطی را روی بحران زیست محیطی جهانی قرار داد. بخش قابل توجه و مهمی از آن به عوامل درونی بازمی‌گردد که در مدیریت ضعیف خلاصه می‌شود. انفجار جمعیت درسال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ (افزایش از ۲۵ به ۷۰ میلیون نفر) و رسیدن آن به مرز ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به همراه افت شدید بهره‌وری عوامل تولید، موجب فشار بیش از اندازه بر طبیعت شده است. سیاست نادرست

گذر

مسئله این است:

بازگشت نفتی با رگه‌های اقتدار

پویا نعمت‌اللهی

● هنگامی که از وزیر نفت سؤال شد که نخستین اولویت پس از توافق چه خواهد بود، اظهار داشت «آمدگی برای افزایش صادرات». اکنون سؤال این است که این جمله درواقع به چه الزاماتی اشاره دارد و چگونه می‌توان به آن «آمدگی» دست یافت؟ پاسخ به این سؤال، کاری سهل و ممتنع است. سهل از این بابت که کشورمان همواره در سال‌های اخیر دچار کاهش شدید توان تولید بوده و گویی چنین چیزی به واسطه تحریم‌ها پدید آمده است! و چنین وضعیتی عملاً به جایگاه کشورمان در محافل و مناسبات نفتی لطمه زده و ممتنع از این جهت که سازوکارهای حاکم بر عملیات صنعت نفت، عمدتاً بسیار پیچیده بوده و گستره‌ای از رهیافت‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی را شامل می‌شود و قاعداً هر رویکرد وزارت نفت را با سنجه‌های منطقی ارزیابی کرده و در دام کلی‌گویی‌ها و گزاره‌های عمومی و بلندپروازانه نیفتیم.

۱- عده‌ای معتقدند افزایش صادرات ایران می‌تواند به مثابه نوسانات نامطلوب قیمتی باشد. به طور کلی در شرایط عمومی چنین چیزی مصداق دارد؛ اما اکنون شرایط حاکم (به‌طور اختصاصی برای کشورمان)، حالت «عمومی» و «متعارف» ندارد. این بدان معناست که ورود مقتدرانه ایران توام با افزایش تولید، یک اصل کلی بوده و هر پدیده مرتبط بر آن نمی‌تواند نقش محذوراتی داشته باشد. در سال‌های گذشته، ایران به خاطر شرایط بین‌المللی و ضعف مدیریت داخلی، نقش منفعلانه‌ای در بازار ایفا می‌کرده و شرایط بازار بر کشورمان تحمیل می‌شده است. اکنون شاید موقع آن باشد که کشورهای صادرکننده؛ خودشان را در موقعیت قبلی ایران ببینند؛ یعنی خود را با «الزامات ایران» هماهنگ کنند؛ و نه اینکه انتظار داشته باشند که ایران، خود را با «الزامات آن‌ها» هماهنگ کند.

۲- به نظر می‌رسد سیاست راهبردی وزارت نفت، «رجعتی با رگه‌های اقتدار» باشد. این رجعت دارای ویژگی «سرعت» هم هست؛ چرا که هدف اصلی آن، همانا «بازپس‌گیری» جایگاه قبلی کشور است.

ادامه در صفحه ۱۵



امروزه استفاده از قطعات اصلی در بسته‌بندی‌های مورد تأیید شرکت‌های

خودروساز، ضامن سلامت و امنیت خودرو و سرنشینان آن است. **شرکت ایساکو،**

انتخاب قطعات اصلی و باکیفیت را برای دارندگان محصولات ایران خودرو توصیه و

تأیید می‌نماید. به منظور کسب اطمینان از قطعات تهیه شده بارکد QR و یا شماره

۱۶ رقمی رمزنگاری شده مندرج بر روی برچسب مشخصات قطعه را به شماره **۳۰۰۰۳۱ «سامانه پیامکی اصل بخريد»** ارسال و با خطاری ایمن و آسوده برانید.



تأیید قطعات تضمین خدمات
www.isaco.ir

